



مردان الهی کسانی هستند که همواره پاسبان حریم دل خود باشند

آیت الله جوادی آملی گفت: ما وظیفه داریم همه را به سوی حق دعوت کنیم، اما تا خودمان با گفتار، کردار، نوشتار و سیره و روش خود از باطل، دوری نکنیم، دعوت دیگران به حق، ممکن نخواهد بود.

آیت الله جوادی آملی گفت: ما وظیفه داریم همه را به سوی حق دعوت کنیم، اما تا خودمان با گفتار، کردار، نوشتار و سیره و روش خود از باطل، دوری نکنیم، دعوت دیگران به حق، ممکن نخواهد بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله العظمی جوادی آملی در جلسه درس اخلاق این هفته خود که در نمازخانه بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء برگزار شد ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت صدیقه کبرا (سلام الله علیها)، به ادامه سلسله مباحث درس اخلاق خود که به شرح و تفسیر نهج البلاغه اختصاص دارد پرداخت و بیان داشت: در ادامه شرح نامه های نهج البلاغه، به نامه 56 رسیدیم که حضرت خطاب به شریح بن هانی فرمانده لشکر خود نوشته اند و در حقیقت به وسیله این نصایح و توصیه ها، ارتش و نیروی نظامی علوی را تربیت نموده اند.

آیت الله جوادی آملی در ابتدا با ذکر حدیثی از پیامبر اسلام، بیان داشت: پیامبر گرامی اسلام می فرماید بدترین دشمن انسان نفس اماره است که مامور ابلیس می باشد؛ برای اینکه شیطان از ما، آب و خاک و خون نمی خواهد او در درجه اول از ما، ایمان و بعد آبروی ما را می خواهد و تا اینها را از انسان نگیرد، دست بردار نیست و انسان را رها نمی کند.

آیت الله جوادی آملی اظهار داشت: لذا نصیحت حضرت امیر علیه السلام در این نامه خطاب به فرمانده لشکر علوی این است که ما یک دشمن بیرونی داریم که با آب و خاک و جسم ما کار دارد و یک دشمن درونی که از ما آب و خاک و خون نمی خواهد، بلکه از ما ایمان و آبروی ما را می خواهد، مراقب باشید تا دشمن درونی این دو سرمایه را از شما نگیرد.

وی ابراز داشت: شیطان اینگونه نیست که وقتی ایمان انسان را گرفت او را رها کند بلکه تا انسان را مسلوب الحیثیه نکند او را رها نمی کند.

وی تاکید داشت: خطر بی آبرو شدن توسط شیطان، همواره در کمین انسان است، لذا انسان باید همواره هوشیار باشد از این روست که حضرت می فرماید تقوا در رأس اخلاق است، تقوا مانند نماز نیست که زمان خاصی داشته باشد، بلکه انسان باید دائما به این فکر باشد که نه بیراهه برود و نه راه کسی را ببندد.

آیت الله جوادی آملی ابراز داشت: توصیه حضرت این است که در هیچ حال از دنیا، احساس امنیت نکنید؛ مراد از دنیا زمین و آسمان نیست، بلکه هر آن چیزی است که ما را فریب بدهد و از یاد خدا غافل کند؛ وگرنه زمین و آسمان که آیات الهی هستند و در همین زمین، اویس قرنی ها و سلمانها پرورش یافتند.

وی با تاکید بر مراقبت از نفس تصریح داشت: انسان اگر جلو برخی از خواسته های نفسانی خود را نگیرد، او را به جایی می برد که جز ضرر و خسران چیز دیگری حاصل انسان نخواهد شد.

وی به بخش دیگری از نامه حضرت به فرمانده لشکر خود پرداخت و اظهار داشت: حضرت به فرمانده لشکر خود می نویسد، وقتی عصبانی شدی جلو غضب خود را بگیر، هنگام غضب، آن پرخاشگری پی حساب را کنترل کن، باید در مقابل این اسب سرکش، حلیم بود و حلم داشت؛ حلم از واژه هایی است که در فارسی نمی توان به راحتی برای آن معادلی تعیین کرد، صابر بودن یک ستونی در اسلام است؛ صبر به معنای سکون نیست، صبر ستونی است که انسان را نگه می دارد، همانگونه که در قرآن کریم می فرماید وقت خطر خود را به ستون نماز بسپارید و به نماز پناه ببرید، و همین مطلب هم به سیاق، در خصوص صبر نیز شده است؛ «استعینوا بالصبر و الصلاة»

وی ادامه داد: حضرت به فرمانده لشکر علوی توصیه کرد مبدا سربازان خود را برده خود بدانی، فرمانده بودن به معنای فرمانروای پی حساب بودن نیست، لذا با سربازان خود دوستانه رفتار کن، با عالمان لشکر خود به مشورت پرداز و برای افراد پی سواد لشکر خود استاد تعیین کن تا آنها را عالم کند.

وی اذعان داشت: انسان وقتی به خیر می رسد که عالم باشد، همین است که از طلب علم در اسلام به فریضه یاد

شده است این «تا» تای مبالغه است؛ یعنی خیلی خیلی طلب علم واجب است.

وی توصیه حضرت به فرمانده لشکر خود در حراست از داخل مرزهای کشور را مورد اشاره قرار داد و بیان داشت: حضرت فرمود یا شریح! با قدرت نظامی خود نه تنها خارج از مرز، بلکه درون مرز را هم اصلاح کن؛ چرا که از رسول خدا شنیدم که مهلت دادن بیجا و رها کردن یک عده خاص، ظلم به بیت المال و سایر مردم است.

وی تاکید کرد: اینها ویژگیهای ارتش علوی است که حضرت خطاب به فرمانده لشکر خود بیان می کند و از او انتظار دارد.

آیت الله جوادی آملی در فراز پایانی سخنان خود بیان داشت: خلیفه الهی کرامت خود را از مستخلف عنه دارد و تا وقتی از این کرامت برخوردار است که حرف مستخلف عنه را بزند، لذا مردان الهی کسانی هستند که همواره پاسبان حریم دل خود باشند، ولی اگر او حرف خود را زد، نه حرف مستخلف عنه را، می شود: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»

وی خاطرنشان کرد: درست است ما وظیفه داریم همه را به سوی حق دعوت کنیم، اما تا خودمان با گفتار، کردار، نوشتار و سیره و روش خود از باطل، دوری نکنیم، دعوت دیگران به حق، ممکن نخواهد بود.